

اپوزیسیون در گرد باد فساد مالی

امیرفیض- حقوقدان

هنگامی که گردباد شروع میشود خس و خاشاک و آشغال‌های نا استوار را بدورهم جمع میکند همه جور آشغال درهم میپیچند و هر طرف که باد بخواهد آنها را حرکت میدهد و توافقی که گردباد به قوت نرسیده میتوان آشغال‌ها را دید و تمیز داد ولی وقتی گردباد قدرت گرفت دیگر از آشغال‌ها خبری نیست هریک به گوشه‌ای پرتاب شده‌اند و بجای آن ساختمان‌ها شهرها، تاسیسات صنعتی و اجتماعی منهدم شده و بسیاری لاشه‌های انسان‌ها برجای میماند و گردباد به نقطه دیگری یعنی کشور دیگری رهسپار میشود.

واقعیت شومی که قابل تجسم است دقیقا منطبق باموقعیت اپوزیسیون در گردباد مادی است که آمریکایی‌ها آنرا به سر وقت اپوزیسیون فرستاده‌اند که ابتدا آشغال‌ها را جمع‌آوری کند و سپس گردباد را متوجه ایران و ملت ایران سازد.

این تحریر در رابطه و اثبات موقعیت اپوزیسیون، و دروجه مشخص، متوجه جبهه‌ها و کنگره‌ها و شوراها و امثال آنهاست که این روزها به استقبال گردباد متعفن دلارهای وطن فروشی برخاسته‌اند.

رجوع به سابقه

همانطور که استحضار دارید و در تحریر <فضاحت جدید> هم به آن اشاره رفت، در «کنگره همبستگی ایرانیان» که در سال ۱۳۸۲ تشکیل شده بود تحولی بوجود آمد که کنگره همبستگی ایرانیان تبدیل شد به جبهه همبستگی ملی! و در نتیجه در یک نمایش تلویزیونی که با حضور آقایان نصر اصفهانی و نادر پیمانی برگزار شد، عده‌ای از ایرانیان هم عضویت خودشان را به نمایش درآوردند.

در ماده ۵ آرمان نامه کنگره همبستگی ایرانیان در ۹ سال قبل نوشته شده است:

<کنگره همبستگی ایرانیان که به مشارکت بخش بزرگی از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌ها و منفردین سیاسی تشکیل خواهد شد، پس از سازمان دهی و انجام عملیات لازم و تامین منابع مورد نیاز، مبارزه عملی برای نجات ایران را آغاز خواهد کرد>

در فاصله ۹ سال کنگره همبستگی ایرانیان چه فعالیت عملی برای نجات ایران و براندازی جمهوری اسلامی با وجود اعلام اینکه ۳۶ گروه سیاسی به کنگره همبسته شده‌اند، داشته است؟ سوالی است که در جوامع مترقی حق مسلم کسانی است که اعلام همبستگی با کنگره رانموده‌اند و یابیه مسائل مربوط به وطنشان خود را متعهد میدانند که متأسفانه ما ایرانیان به این حق مسلم خود اهمیتی نمیدهیم و همین سبب سوء استفاده‌های مکرر مدعیان رهبری شده و میشود.

شاید هم ایرانیان و به ویژه کسانی که نامشان در سال ۱۳۸۲ در اعلامیه کنگره و روزنامه کیهان لندن ذکر شده پاسخ این پرسش را ندارند که طرح پرسش نکرده‌اند و به همان گزارش آقای دکتر نصر اصفهانی قانع هستند که گفت: <ما توانستیم در این مدت کنگره را تبدیل به جبهه کنیم> (مرحبا به این موفقیت!) ولی اینجانب اجازه می‌خواهم گزارش فعالیت کنگره ایشان را کامل تر کنم.

در مدت ۹ سال عمر مبارزه دکان آقای نصر اصفهانی موفقیت‌های بزرگی در دانش سیاسی کسب کرده است که این خود امتیازی استثنائی است!

اگر اصول و مبانی کنگره همبستگی سال ۱۳۸۲ با اصول و مبانی که در تیرماه همین سال ۱۳۹۱ در اجلاس تلویزیونی اعلام کردند مقایسه شود این تحصیل، حاصل است که ایشان و کنگره در کار سیاسی از سال ۱۳۸۲ فهمیده تر شده‌اند از جمله فهم و فراست تحصیلی ایشان یکی این است که اختیارات به شهرها و شهرستان‌ها و استان‌های کشور برای اداره

امور محلی و منطقه ای که در هدف همبستگی سال ۸۲ مقرر شده بود و کلی هم از حقانیت آن دفاع کرده بودند حذف شده است.

شاید هم رشته مقالات سنگر تحت عنوان <بیعتی ها = یعنی کسانی که با تفویض اختیارات به شهرها و استان ها بیعت کرده اند> و در آن مقالات ثابت شد که طرح تجزیه ایران جزء برنامه های آمریکا نسبت به کشور ماست.

خاتم رایس وزیر خارجه آمریکا گفت: <صبر آمریکا برای حل مسئله اتمی حدی دارد پایان آن با حمله نظامی توام نیست چرا که آمریکا حال جنگ دیگری را ندارد ولی ایجاد اغتشاشات داخلی به منظور تجزیه و خودمختاری اقلیت های مذهبی کاری بسیار ساده ای است> البته برای آمریکا چنانکه در جمهوری های وابسته به شوروی این برنامه بر راحتی اجرا شد (سنگر ۳۳۲+۴۲۵)

حذف آن ماده را از آرمان نامه خودشان لازم دانسته اند (مشروح درسنگر ۳۳۲=۴۵۶ تحت عنوان دستاورد بیعتی ها با تجزیه کشور) جمله ای از آن مقاله به اینجا آورده شود بجاست.

<آقایان بیعتی ها، نه تنها با بدعت لاتاری گذاشتن رژیم سلطنتی ایران بیعت کرده اید، بدانید که با پاره پاره کردن و تجزیه ایران هم بیعت کرده اید بدانید آن چیزی که شاهنشاه ایران همواره نگران تحقق آن بودند و از آن بنام ایرانستان یاد میکرد، شما با آن نکبت عظیم ایران برباد ده بیعت کرده اید. در این ۲۷ سال گذشته هیچ کاری برای نجات ایران و هویت ایران نکردید الا که هم ریشه مشروعیت ۲۵۰۰ ساله سلطنت را زدید و هم زمینه را برای خودمختاری و تبدیل ایران به ایرانستان فراهم ساخته اید>

شرمتان باد از این بیعت گنبد خویشتن که بر این کارکتیف صیقل آزاده زدید.

و شاید همکاری آقای نادریپیمانی با آقای نصر اصفهانی مشروط به حذف قرار مزبور از آرمان نامه بوده است که آنهم هم فال است و هم تماشا که قدری صبر لازم دارد.

موفقیت و امتیاز دیگر! اینکه در اصول و مبانی کنگره در سال ۸۲ عبارتی آمده بود بقرار زیر.

<برقراری یک نظام دموکراسی و یک نظام مردم سالار در کشور با تفکیک قوای سه گانه مملکتی - نوع نظام را مردم ایران پس از ساقط کردن رژیم در یک همه پرسی تعیین خواهند کرد>

در این فاصله ۹ سال ایشان فهمیدند که نظام دموکراسی همان نظام مردم سالار است و تفکیک قوای سه گانه مملکت هم از ارکان نظام های دموکراسی است این فهمی بجا و درست ایشان سبب شد که در اصول و اهداف جبهه همبستگی تکرار اشتباه ننمایند مبارکشان باد.

سومین موفقیت! که قابل اهمیت است در اصول و مبانی کنگره همبستگی ۹ سال قبل، عنوان حقوقی غصب برای جمهوری اسلامی قائل نشده بود و اکنون به این فراسر رسیده اند که جمهوری اسلامی را غاصب بنامند بهتر است ولی یادشان رفته که با غاصب شناختن جمهوری اسلامی دیگر بحث تعیین رژیم کشور بوسیله همه پرسی با غاصب شناختن جمهوری اسلامی منافات دارد (علاقمندان به این تضاد میتوانند به تحریر <فضاحت جدید> رجوع فرمایند)

البته زیاد جای نگرانی نیست ده سال بعد ممکن است به این تعارض پی ببرند و یا غصب را حذف کنند و یا همه پرسی برای تعیین رژیم کشور را.

موفقیت! دیگری که در واقع <قسم حضرت عباس را باورکنم یادم خروس> را تداعی میکند آنجاست که در اعتقاد نامه کنگره که در ۹ سال قبل به امضای گروهی از ایرانیان خارج از کشور رسیده است، آمده است:

>..... مردم آزادیخواه ایران قادرند با اراده راسخ و اتحاد و همبستگی ملی و با اتکای بر منابع خویش و بدون دریافت کمک مالی از هیچ کشور خارجی جمهوری اسلامی راساقط سازند<

اما پس از آنکه آقای نصر اصفهانی بنا بر اعلامیه خودشان در جولای سال ۲۰۰۶ به کاخ سفید دعوت شدند و با حضور برنر معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا از آمریکا چنین درخواستهایی را کردند؛

>پيروان دمکراسی نیاز دارند به همان کمکی که دنیای آزاد به فعالین شوروی، لهستان و آفریقای جنوبی کرد ما نیاز داریم به کمک فوری و مستمر برای پیروان دمکراسی و ما همچنین نیاز داریم به حد اکثر فشار به جمهوری اسلامی. تمام امکانات و وسائل ممکنه باید بکار گرفته شود برای فشار به جمهوری اسلامی برای آزاد سازی زندانیان سیاسی و همچنین فشار به کمپانی ها برای توقف معاملات با ایران< (عین عبارت از اعلامیه دکان شامورتی - آقای نصر اصفهانی است)

و ملتفت شدند که ذکری نیازی کنگره به کمک مالی آمریکا در آرمان نامه سال ۱۳۸۲ با گدائی از آمریکا در سال ۲۰۰۶ منافات دارد و یاد آور قسم حضرت عباس است، لذا در آرمان نامه جدیدشان بسال ۱۳۹۱ آنرا حذف کردند که مفهوم حذف آن نسخ آرمان نامه سال ۸۲ به اعتبار ملاقات و درخواستهای کنگره و نصر اصفهانی از کاخ سفید میباشد.

آنچه عرض شد تحولات و دستاوردهای براندازی جمهوری اسلامی است که ظرف ۹ سال بوسیله کنگره همبستگی ایرانیان (بخوانید دکان شامورتی بازی) تحقق یافته است.

وای از ما مردم که چقدر فراموشکاریم و بیشتر که درک آلت دست شدن را نداریم و از آن بدتر حس دفاع از حق خودمان را هم اصلا نداشته و حالیه هم نداریم.

واما بعد گریز فساد مالی و اپوزیسیون

گریز همه پرسى برای تعیین رژیم کشور

اسناد مبارزه ایرانیان خارج از کشور نشان میدهد که برای اولین بار طرح تعیین رژیم کشور بعد از سقوط جمهوری اسلامی، بوسیله علی امینی و جبهه نجات مطرح شد و همانطور که در سنگرها ارائه دلیل شد هدف از تز مزبور، ختم مشروعیت تاریخی و سنتی و قانونی رژیم سلطنتی ایران بود، تا این مشکل آمریکاییها با موافقت اعلیحضرت و دست اندر کاری سلطنت طلبان بوسیله فرمانده پایان قانونی و دمکراتیکی پیدا کند یعنی طرح هنری برشت بصورت دمکراتیکی به اجرا درآید.

پس از درگذشت امینی و شاپور بختیار که متصدیان جا انداختن تزههه پرسى نسبت به نظام سلطنتی بودند، موضوع مسکوت ماند و اگر هم گهگاه اشاراتی میشد همه گیری این روزها را نداشت.

البته آمریکایی ها ساکت نشستند در سال ۱۳۸۴ قانونی بنام قانون آزادی ایران بتصویب کنگره رسید که در آن قید شده است که آمریکا باید از نیروهای هواخواه دمکراسی حمایت کند همچنین اپوزیسیون خارج از کشور مشمول این قانون است - خانم روزلتین رئیس کمیسیون کمیته خاورمیانه که تهیه کننده این طرح است اعلام کرد که باید >استاندارد ویژه ای برای کمکها وجود داشته باشد و نباید هرکس که خود را آزادیخواه و دمکرات تلقی کرد از این منابع استفاده کند<

رئیس سازمان سیا که در کنگره سخنرانی میکرد استاندارد مورد نظر خانم روزلتین را اینطور توضیح داد؛

>آمریکا باید روی کسانی از کشورهای خارج سرمایه گذاری کند که بتوانند منافع آمریکا را تامین کنند<

روزنامه نیویورک تایمز در شماره ۱۶ فوریه (۱۳۸۵ شمسی) در رابطه با بودجه ۷۵ میلیون دلاری مصوب کنگره در راستای قانون آزادی ایران کیفیت خرج آن بودجه را هم توضیح داد.

روزنامه لوس آنجلس تایمز مورخ ۱۹ نوامبر همان سال تفسیری بر ماهیت کمک های آمریکا به مخالفین جمهوری اسلامی گذاشت.

ریچارد پرل، نظریه پرداز مشهور آمریکایی نوشت: «بخشی از اعتبار ۷۵ میلیون دلار هم به فعالیت و فعالین رفاندم تخصیص یافته است و دولت آمریکا باید دریاری رساندن به طرفداران رفاندم تسریع کند» (سنگره ۱۵ خرداد سال ۱۳۸۵)

اینکه ملاحظه میشود که فعالین خارج از کشور به استثنای سلطنت طلبان معتقد، شعار همه پرسی برای تعیین نوع رژیم مانند دعای جن از آنها جدا نمیشود بهره مندی و مشارکت در سهمی است که آمریکا برای پیشبرد تز همه پرسی برای ختم مشروعیت رژیم سلطنتی ایران مقرر کرده و مسلماً هر سال هم به زیادت آن اقدام نموده است چنانکه همان روزنامه ها به تجدید نظر در مبلغ ۷۵ میلیون در آینده بشارت داده اند.

اینکه استاندارد کمک آمریکا به ایرانیان حفظ منافع آمریکا از جانب کمک گیرندگان است عمق فرورفتگان در منجلا ب خود فروشی کمک گیرندگان از آمریکا را مشخص میکند و همچنین چون همه پرسی خواست آمریکایی ها برای پایان دادن به رژیم سلطنتی ایران از طریق دموکراتیکی است، لذا دکان آقای نصر اصفهانی فعال ترین واحدی است که خدمت مورد نظر آمریکا را تامین میکند.

گزارش بسیار با اهمیت

گروه سیاست و عملیات مربوط به ایران و سوریه

در ژانویه سال ۲۰۰۷ بخش فارسی صدای آلمان گزارشی را انتشار داد که بخشهایی از آن مستند این تحریر میباشد و چون از اهمیت خاصی برخوردار است امعان نظر بیشتری را میطلبد.

گروه سیاست و عملیات مربوط به سوریه و ایران Iran Syria policy and operation group در سال ۲۰۰۷ وجود آن افشاشد، ولی روزنامه باستون کلپ که مطلب رانوش اضافه کرد که تا مدتها وجود این گروه از سوی آمریکاییها تکذیب میشد (باستون کلپ ژانویه سال ۲۰۰۷)

این سازمان سیاسی ابتدا زیر نظر دختر دیک چینی اداره میشد و حالیه به کمیته ای واگذار شده که دو کارشناس محافظه کار جیمز جفری و الیوت ابرامز، آنرا هدایت میکنند اینان در کنار چپ و لفوویتس و ریچارد پرل از مولفان طرح بزرگ تغییر رژیم در خاور میانه بویژه در عراق و ایران و سوریه میباشدند.

بنابر گزارش روزنامه باستون کلپ «سوم ژانویه ۲۰۰۷» انتظار میرود کنگره آمریکا در سال آینده بودجه مربوط به فعالیت گروه سیاست و عملیات مربوط به سوریه و ایران را دوبرابر کند سال گذشته این مبلغ ۸۵ میلیون دلار بوده است.

روزنامه مزبور اسامی گروههای خارجی که با گروه سیاست و عملیات مربوط به سوریه و ایران همکاری میکنند ذکر کرده و همچنین نام عده ای (نه تمام) ایرانیانی که در خدمت به گروه مزبور میباشدند که سعید رضوی از جبهه مشارکت - حسین باستانی از جبهه مشارکت - علی افشاری از دفتر تحکیم - اکبر عطری از دفتر تحکیم و سازگارا در آن گروه عضویت دارند.

ملاحظه حساسی

در سال ۲۰۰۷ که وجود گروه سیاست و عملیات مربوط به ایران و سوریه آشکار شد، سوریه در کمال آرامش بود و جریانات اخیر در حدود ۱۸ ماه است که شروع شده است، تشکیل گروه مزبور در آمریکا آنهم بطور مخفی موید آن است که از سالها قبل از ایجاد نا آرامی ها در سوریه عملیاتی که باید در سوریه انجام میگرفت تحت کنترل و تصمیم آمریکا بوده است و عجیب اینکه کارگروه مزبور منحصر به سوریه نبوده و ایران را هم در کنار سوریه قرار داده است و این بدان معناست که الگوی سوریه که بوسیله گروه مزبور تهیه و اکنون در جریان اجراست الگوی مشابهی است که گروه مزبور برای ایران هم تهیه کرده است.

برای توجه به اهمیت کارگروه مزبور کافی است بیاد بیاوریم که در کتاب زمان انتخاب اعلیحضرت تنها از دو ایرانی تجلیل شده که آنها سازگارا و عطری هستند آیا این یک امر طبیعی است و یا گنجاندن نام آن دونفر در آن کتاب بمنظورهای خاص

و از سوی گروه مزبور صورت گرفته است؟ تا برای مامورین مجری طرح الکوی سوریه برای ایران ایجاد وجاهت شده باشد.

ایرانیان غافل، سلطنت طلبان بادی آگاه باشید که شوراهاى ملی کنگره ها که مثل قارج زهری از زمین میروید همه و همه مربوط به فعالیت اجرائی همان گروه سیاستی ایران و سوریه است، تجربه ای که آن گروه درمورد سوریه آموخته است عینا نسبت به کشورما پیاده خواهند کرد. تشکیل شورا و نشست های متوالی درکشورها همه و همه از برنامه های تدوین شده گروه مزبوراست.

نقش کنگره همبستگی ایرانیان ویا دکان نصراصفهانى دراین ماجرا خطرناک ترین وحساسترین است؛ میدانید چرا؟ زیرا آرمان نامه تاسیس کنگره همبستگی ایرانیان امضای وزراء ونمایندگان وشخصیت های سیاسی امثال آقای اصلان افشار، سپهبد های ارتش شاهنشاهی ایران را دارد وعضویت وتائید آن شخصیت ها از آرمان نامه کنگره همبستگی حالت بیعت را دارد وچون بیعت شخصیت ها ورهبران شامل بیعت پیروان هم میشود.

لذا یک بیعت عام تحصیل شده ازراه کلک وحقه بازی ضمیمه فعالیت های او برای ختم رژیم سلطنتی ایران خواهد بود.

یعنی حضور اسمی سلطنت طلبان مشخص ونامدار، دراین شامورتی بازی وبیعت آنها با آن بدعت، نه برای دیگربزرگان سلطنت طلب ونه برای افراد عادی سلطنت طلب منزلت واعتباری باقی نمیگذارد.

حکیم مولوی بیتی دارد که پشتوانه بیعت عام است

چو ازقومی یکی بی دانشی کرد نه که رامنزلت ماند نه مه را

عدول ازبیعت همیشه ممکن است اگر غیرت باشد.